

جزء بیست و سوم

این جزء از آیه 28 سوره یس آغاز و تا آیه
31 سوره زمر ادامه دارد.

در این جز سوره یس، صفات، ص و بخشی
از سوره زمر قرار دارد.

ahlolbait.com

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا
كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿٢٨﴾

و بعد از شهادت او هیچ سپاهی از آسمان بر [هلاکت]
قومش نازل نکردیم، و بر آن نبوده‌ایم که نازل کنیم. (۲۸)

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ﴿٢٩﴾

[کیفرشان] جز یک فریاد مرگبار نبود که ناگهان [پس از آن

فریاد] همه بی حرکت و خاموش شدند! (۲۹)

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ
يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٠﴾

ای دریغ و افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای
هدایتشان نمی آمد مگر اینکه او را مسخره می کردند! (۳۰)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا
يَرْجِعُونَ ﴿۳۱﴾

آیا [مشرکان مکه] ندانسته‌اند چه بسیار از اقوام پیش از آنان را [به
سبب کفر و طغیانشان] هلاک کردیم که آنان هرگز نزد اینان
برنمی‌گردند، [و در دنیا زندگی دوباره نمی‌یابند،] (۳۱)

وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿۳۲﴾

و همه آنان [بدون استثنا گردآوری خواهند شد و] در قیامت

نزد ما احضار می شوند. (۳۲)

وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا
فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿۳۳﴾

و این زمین مرده برای آنان نشانه‌ای [آشکار بر اینکه ما مردگان را
در قیامت زنده می‌کنیم] می‌باشد که آن را زنده کردیم و از آن دانه
بیرون می‌آوریم که از آن می‌خورند، (۳۳)

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِ
الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾

و در آن بوستان‌هایی از درختان خرما و انگور قرار دادیم، و
در آن از چشمه‌های گوناگون روان ساختیم، (۳۴)

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾

تا از میوه آن و آنچه دست‌هایشان به عمل می‌آورد [مانند شیره،

کشمش، شربت و...] بخورند، آیا سپاس‌گزاری نمی‌کنند؟ (۳۵)

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ
أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۶﴾

منزه [از هر عیب و نقصی] است آنکه همه زوجها را آفرید از آنچه زمین

می رویاند و از وجود خودشان و از آنچه نمی دانند، (۳۶)

وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسَلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ ﴿۳۷﴾

و نشانه‌ای [از نشانه‌های قدرت و حکمت ما] برای آنها شب
است که [پوشش] روز را از آن بر می‌کنیم، پس ناگاه آنان به
تاریکی درآیند، (۳۷)

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

الْعَلِيمِ ﴿۳۸﴾

ژل لیفتینگ آئورا

و خورشید [نیز برای آنان نشانه‌ای از قدرت ماست] که همواره به سوی قرارگاهش حرکت می‌کند. این اندازه‌گیری توانای شکست

ناپذیر و داناست، (۳۸)

وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾

و برای ماه منزل‌هایی قرار دادیم تا اینکه به صورت شاخه کهنه
هلالی شکل و زرد رنگ خرما برگردد [و باز به تدریج بدر کامل

شود،] (۳۹)

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ
النَّهَارِ ۚ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾

نه برای خورشید این توان هست که به ماه برسد، و نه شب از
روز پیشی می گیرد، و هر کدام در مداری شناورند. (۴۰)

وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾

و برای آنان نشانه‌ای دیگر [از قدرت و رحمت ما] این [است] که
فرزندانشان را در کشتی‌هایی پر [از اجناس و وسایل] حمل
کردیم، (۴۱)

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾

و برای آنان چیزهایی مانند کشتی [چون اسب، قاطر و دیگر

وسایل نقلیه] آفریدیم که بر آن سوار می شوند، (۴۲)

وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿٤٣﴾

و اگر بخواهیم آنان را غرق می‌کنیم در این صورت هیچ
فریادرسی برای آنان نخواهد بود، و نجات هم نیابند، (۴۳)

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾

مگر [اینکه] رحمتی از سوی ما [نجاتشان دهد] و تا مدتی

[از زندگی دنیا] بهره‌مندشان کنیم، (۴۴)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾

و هنگامی که به آنان گویند: از آنچه [عذاب‌های دنیا و آخرت] پیش رو و پشت سر شماست بپرهیزید تا مورد رحمت قرار گیرید
[به این هشدار قطعی و یقینی توجه نمی‌کنند،] (۴۵)

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا
مُغْرَضِينَ ﴿٤٦﴾

و هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنان نمی‌آید مگر
اینکه از آن روی می‌گردانند. (۴۶)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا
 فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٤٧﴾

و هنگامی که به آنان گویند: از آنچه خدا روزی شما کرده، انفاق کنید، کافران به
 مؤمنان گویند: آیا کسانی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست آنان را اطعام می کرد؟
 [پس گرسنگی را خدا بر آنان خواسته است] ولی شما [ای کفرپیشگان!] جز در
 گمراهی آشکاری نیستند. (۴۷)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾

و می گویند: اگر راستگوید، این وعده [قیامت و عذاب] کی

خواهد بود؟ (۴۸)

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ
يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾

اینان جز یک فریاد مرگبار [آسمانی] را انتظار نمی‌کشند که آنان را در
حالی که سرگرم مجادله و ستیز [در امور دنیایی] اند فراگیرد. (۴۹)

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿۵۰﴾

[فریادی که وقتی بر سر آنان زده شود] نه می‌توانند وصیتی کنند و نه [اگر

بیرون خانه باشند] می‌توانند به خانواده خود برگردند، (۵۰)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾

و در صور دمیده شود، ناگاه همه آنان از قبرها به سوی
پروردگارشان می‌شتابند. (۵۱)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا ^{سَقَطَ} هَذَا مَا وَعَدَ
الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾

می گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاهمان
برانگیخت؟ این واقعیتی است که [خدای] رحمان وعده داده بود
و پیامبران راست گفته بودند!! (۵۲)

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا
مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾

[آن صحنه عظیم] جز یک فریاد نیست، پس به ناگاه همه
آنان [گردآوری شده و] نزد ما احضار می شوند. (۵۳)

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾

در این روز به هیچ کس ذره‌ای ستم نمی‌شود، و جز آنچه را
انجام می‌دادید پاداش داده نمی‌شوید. (۵۴)

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ ﴿٥٥﴾

همانا بهشتیان در چنین روزی در سرگرمی و صف ناپذیری

شیرین کام و خوش اند. (۵۵)

هُم وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِنُونَ ﴿٥٦﴾

آنان و همسرانشان در زیر سایه‌هایی [آرام بخش] بر

تخت‌هایی [آراسته چون حجله عروس] تکیه می‌زنند. (۵۶)

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَاللَّهُمَّ مَا يَدْعُونَ ﴿٥٧﴾

برای آنان در آنجا میوه‌ها [ی عالی و مطبوع] و آنچه دلشان

بخواهد فراهم است. (۵۷)

سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿۵۸﴾

با سلام [ی پرارزش و سلامت بخش] که گفتاری از

پروردگاری مهربان است. (۵۸)

وَأَمْتَارُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾

و [ندا آید:] ای گناهکاران! امروز [از صف نیکان] جدا

شوید. (۵۹)

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ ۖ إِنَّهُ لَكُمْ
عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٦٠﴾

ای فرزندان آدم! آیا به شما سفارش نکردم که شیطان را پرستید
که او بی تردید دشمن آشکاری برای شماست؟ (۶۰)

وَأَنْ اعْبُدُونِي ۚ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾

و اینکه مرا بپرستید که این راهی است مستقیم، (۶۱)

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾

و همانا شیطان گروه بسیاری از شما را گمراه کرد، آیا تعقل نمی کردید

[که پیروانش به چه سرنوشت شومی دچار شدند؟] (۶۲)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾

این است دوزخی که به شما وعده می دادند. (۶۳)

اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾

امروز به کیفر کفری که همواره می‌ورزیدید، در آن درآید. (۶۴)

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾

امروز بر دهان‌هایشان مهر خاموشی نهیم و دست‌هایشان با ما
سخن می‌گویند و پاهایشان به اعمالی که همواره مرتکب
می‌شدند، گواهی می‌دهند! (۶۵)

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ
يُصِرُّونَ ﴿٦٦﴾

و اگر بخواهیم [در همین دنیا] دیدگان‌شان را محو می‌کنیم، پس به
[سوی همان] راه [گمراهی] بر یکدیگر پیشی می‌گیرند؛ نهایتاً
چگونه و کجا می‌توانند [صراط مستقیم را] بینند؟ (۶۶)

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا
وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾

و [نیز] اگر بخواهیم آنان را در جای خودشان مسخ می کنیم، [و به
صورت جمادی خشک در می آوریم] که نه بتوانند بروند و نه
بازگردند، (۶۷)

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾

و به هر کس عمر طولانی دهیم، او را در عرصه آفرینش [به سوی
حالت ضعف، سستی، نقصان و فراموشی] واژگونش می کنیم؛
پس آیا تعقل نمی کنند؟ (۶۸)

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ^ج إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ
مُبِينٌ ﴿٦٩﴾

و به پیامبر، شعر نیاموختیم و [شعرگویی] شایسته او نیست. کتاب
[او] جز مایه یادآوری و قرآنی روشنگر [حقایق] نیست، (۶۹)

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۷۰﴾

تا کسانی را که [به عقل و هوش و استعداد] زنده‌اند هشدار دهد، و فرمان عذاب بر کافران محقق و ثابت شود. (۷۰)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا
مَالِكُونَ ﴿٧١﴾

آیا ندیده‌اند که ما از آنچه به قدرت خود انجام داده‌ایم برای
آنان چهارپایانی آفریده‌ایم که آنان مالکشان هستند. (۷۱)

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾

و چهارپایان را برای آنان رام کردیم که برخی از آنها مرکب سواری

آنان هستند و از [گوشت] برخی از آنها می‌خورند، (۷۲)

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿۷۳﴾

و برای آنان در آن چهارپایان سودهایی [چون پشم، گُرک و پوست] و نوشیدنی‌هایی [چون شیر و فرآورده‌های آن] هست؛ آیا سپاس‌گزاری نمی‌کنند؟ (۷۳)

وَآتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾

و به جای خدا معبودانی انتخاب کرده‌اند به امید اینکه [به

وسیله آنها] یاری شوند، (۷۴)

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحَضَّرُونَ ﴿۷۵﴾

در حالی که [معبودان،] قدرت یاری دادن به آنان را ندارند و آنان [که سبک مغزان روی برتافته از حق اند] برای آن معبودان [از سوی شیطان] سپاهی احضار شده اند [تا عمر و مالشان را فدای این معبودان باطل کنند.] (۷۵)

فَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ ۗ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا
يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾

پس گفتارشان تو را اندوهگین نکند، بی تردید ما آنچه را
پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند، می‌دانیم. (۷۶)

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ
مُبِينٌ ﴿۷۷﴾

آیا انسان ندانسته که ما او را از نطفه‌ای [پست و ناچیز]
آفریده‌ایم و اینک ستیزه‌گری آشکار است؟ (۷۷)

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ط قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ
وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿۷۸﴾

در حالی که آفرینش نخستین خود را از یاد برده برای ما مثلی زد
[و] گفت: چه کسی این استخوان‌ها را در حالی که پوسیده‌اند،
زنده می‌کند؟ (۷۸)

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ

عَلِيمٌ ﴿۷۹﴾

بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد. زنده اش

می کند، و او به هر چیزی داناست (۷۹)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ
تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾

همان کسی که برای شما از درخت سبز، «آتش زنه» آفرید،

که اکنون شما از آن آتش می‌افروزید. (۸۰)

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ
يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ ۚ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿۸۱﴾

آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، قدرت ندارد که
[پس از مرگشان] همانند آنان را بیافریند؟ چرا قدرت دارد؛ زیرا
اوست که آفریننده بسیار داناست. (۸۱)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۸۲﴾

شان او این است که چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به

آن می گوید: باش، پس بی درنگ موجود می شود. (۸۲)

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ ﴿۸۳﴾

بنابراین [از هر عیب و نقصی] منزّه است خدایی که مالکیت و فرمانروایی همه چیز به دست اوست، و به سوی او بازگردانده می شوید. (۸۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به صف بستگان [مانند فرشتگان، نمازگزاران و جهادگران] که

صفی [منظم و استوار] بسته اند، (۱)

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿۲﴾

و به بازدارندگان که [انسان را از گناهان] به شدت باز

می‌دارند، (۲)

فَالْتَالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾

و به تلاوت کنندگان وحی، (۳)

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾

که بی تردید معبود شما یگانه است، (۴)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ
الْمَشَارِقِ ﴿٥﴾

پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، و پروردگار
مشرق‌ها، (۵)

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾

همانا ما آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم، (۶)

وَحِفظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ ﴿۷﴾

و آن را از هر شیطان سرکشی حفظ کردیم، (۷)

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ

جَانِبٍ ﴿٨﴾

آنان نمی‌توانند به سخنان فرشتگان بسیار مکرم و شریف گوش فرا

دهند، و [هرگاه به گوش دادن برخیزند] از هر سو [شهاب] به

سویشان پرتاب می‌شود، (۸)

دُحُورًا ط وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿۹﴾

تا با خفت و خواری رانده شوند، و برای آنان عذابی همیشگی است، (۹)

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾

مگر آنکه شیطانی خبری را [دزدانه و] با سرعت بر باید [و فرار
کند] که در این صورت گلوله‌ای آتشین و شکافنده او را دنبال
می‌کند. (۱۰)

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا ۚ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ
 طِينٍ لَّازِبٍ ﴿ ۱ ۱ ﴾

پس از منکران معاد بپرس: آیا آفرینش آنان سخت تر و دشوارتر است یا آنچه
 [مانند فرشتگان، آسمان‌ها، زمین، کوه‌ها و...] آفریده‌ایم؟ [به یقین آفرینش
 آنان کاری ناچیز است چون] ما آنان را از گلی چسبنده آفریده‌ایم، (۱۱)

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿۱۲﴾

بلکه [تو از انکارشان] تعجب می کنی و آنان مسخره می کنند، (۱۲)

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿۱۳﴾

و هنگامی که به آنان تذکر، می دهند متذکر نمی شوند؛ (۱۳)

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿١٤﴾

و چون معجزه‌ای را می‌بینند به شدت مسخره می‌کنند [و

دیگران را هم به مسخره وامی‌دارند،] (۱۴)

وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾

و می گویند: این جز جادویی آشکار نیست. (۱۵)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿١٦﴾

[می گویند:] آیا زمانی که ما مُردیم و خاک و استخوان

شدیم، حتماً برانگیخته می شویم؟ (۱۶)

أَوَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿١٧﴾

و آیا پدران پیشین ما [هم برانگیخته می شوند؟] (۱۷)

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿١٨﴾

بگو: آری، [برانگیخته می شوید] در حالی که

خوار و ناچیز هستید. (۱۸)

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿١٩﴾

جز این نیست که آن یک فریاد عظیم است که [وقتی واقع شود] ناگاه

[همه زنده می شوند و حیرت زده منظره قیامت را] می نگرند، (۱۹)

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿٢٠﴾

و می گویند: ای وای بر ما! این روز جزاست! (۲۰)

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢١﴾

[آری] این همان روز جدایی [میان حق و باطل] است که

همواره آن را انکار می کردید. (۲۱)

احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا
يَعْبُدُونَ ﴿۲۲﴾

[آن گاه ندا رسد:] ستمکاران و هم ردیفان آنان و معبودهایی
را که همواره به جای خدا می پرستیدند، گرد آورید. (۲۲)

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ﴿۲۳﴾

پس همه را به سوی راه دوزخ راهنمایی کنید. (۲۳)

وَقِفُّهُمْ ^ط إِنَّهُمْ مَسْئُؤُونَ ﴿٢٤﴾

آنان را نگه دارید که حتماً مورد بازپرسی قرار می گیرند. (۲۴)

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ ﴿٢٥﴾

[به آنان گویند:] شما را چه شده که یکدیگر را [برای رهایی

از عذاب] یاری نمی‌دهید؟ (۲۵)

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿٢٦﴾

[نه اینکه نمی توانند یکدیگر را یاری دهند] بلکه آنان امروز

فروتنانه تسلیم [قدرت حق] هستند، (۲۶)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٧﴾

به یکدیگر رو کرده از هم می پرسند: [این چه وضعی

است؟] (۲۷)

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾

[پس پیروان گمراه به پیشوایان گمراه کننده] می گویند: همانا شما
از راه خیرخواهی به سوی ما می آمدید، [ولی کارتازان جز فریب و
نیرنگ نبود!] (۲۸)

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿۲۹﴾

می گویند: [ما را تقصیری نیست] بلکه خود شما اهل ایمان

نبودید، (۲۹)

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ طَبَلٌ كُنْتُمْ قَوْمًا
طَاغِينَ ﴿۳۰﴾

و ما را بر شما هیچ تسلطی نبود، بلکه شما مردمی طغیان گر
و سرکش بودید. (۳۰)

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ﴿۳۱﴾

اکنون فرمان عذاب پروردگارمان بر ما محقق و ثابت شد که

همه ما چشندگان عذاب خواهیم بود. (۳۱)

فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ ﴿۳۲﴾

[سبک مغزی و تعصب شما زمینه گمراهی شما شد] پس ما

شما را گمراه کردیم؛ زیرا خودمان گمراه بودیم، (۳۲)

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿۳۳﴾

پس بی تردید همه آنان در آن روز در عذاب شریک اند، (۳۳)

إِنَّا كَذَّبِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿۳۴﴾

ما با مجرمان این گونه رفتار می کنیم؛ (۳۴)

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾

زیرا آنان چنین بودند که هر زمان به آنان می گفتند: معبودی

جز خدا نیست، تکبر می کردند، (۳۵)

وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرِيكَو الْهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ ﴿٣٦﴾

و [همواره] می گفتند: آیا باید به خاطر شاعری دیوانه

معبودان خود را رها کنیم؟! (۳۶)

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳۷﴾

[چنین نیست که می‌پندارید] بلکه او حق را آورده و پیامبران

را تصدیق کرده است. (۳۷)

إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾

بی تردید شما [کوردلان] عذاب دردناک را خواهید چشید، (۳۸)

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۳۹﴾

و جز آنچه که همواره انجام می دادید، پاداش داده

نمی شوید، (۳۹)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿٤٠﴾

جز بندگان خالص شده خدا [که از هر کیفری در امانند،] (۴۰)

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤١﴾

برای آنان رزق و روزی معین و ویژه‌ای است، (۴۱)

فَوَاكِهَ^ط وَهُمْ مُكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾

میوه‌هایی [گوناگون] در حالی که مورد اکرام خواهند بود، (۴۲)

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾

در بهشت‌های پر نعمت، (۴۳)

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿۴۴﴾

در حالی که بر تخت‌هایی روبه روی یکدیگر

[تکیه زده‌اند،] (۴۴)

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكُؤُسٍ مِّنْ مَّعِينٍ ﴿٤٥﴾

جامی از نوشیدنی زلال و پاک گرداگردشان می گردانند، (۴۵)

بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ﴿٤٦﴾

[نوشیدنی] سپید [و درخشنده] و لذت بخش برای

نوشندگان، (۴۶)

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ﴿٤٧﴾

نه در آن مایه فساد [جسم و عقل] است، و نه از آن مست و

بیهوش می شوند، (۴۷)

وَ عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ ﴿٤٨﴾

و در کنارشان زنانی هستند که فقط به شوهرانشان عشق

می ورزند. (۴۸)

كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ ﴿٤٩﴾

گویا آنان [از سپیدی] تخم شترمرغی هستند که [زیر پر و بال]
پوشیده شده‌اند [و هرگز دست کسی به آنان نرسیده است.] (۴۹)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٥٠﴾

پس برخی از آنان به برخی دیگر رو کرده از [حال] یکدیگر

می پرسند. (۵۰)

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٥١﴾

گوینده‌ای از آنان می‌گوید: همانا من [در دنیا]

هم‌نشینی داشتم. (۵۱)

يَقُولُ أَأِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾

[که همواره از روی تعجب به من] می گفت: آیا تو از باور

دارندگان [رستاخیز و زنده شدن مردگان] هستی؟ (۵۲)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾

آیا زمانی که ما مردیم و خاک استخوان شدیم، حتماً [زنده

می شویم و] پاداشمان می دهند؟ (۵۳)

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ ﴿٥٤﴾

[سپس به دوستان بهشتی خود] می گوید: آیا شما با من به دوزخ
سر می کشید [تا از هم نشینم خبری بگیرید که در کجا و در چه
حالی است؟] (۵۴)

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿۵۵﴾

پس خود او به دوزخ سر می کشد و هم نشینش را

وسط دوزخ می بیند. (۵۵)

قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدْتَ لِتُزِدِنِي ﴿٥٦﴾

[به او] می گوید: به خدا سوگند نزدیک بود، مرا

به هلاکت بیندازی. (۵۶)

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِّينَ ﴿٥٧﴾

و اگر توفیق و رحمت پروردگارم نبود، حتماً از

احضارشدگان [در دوزخ] بودم. (۵۷)

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾

[آن گاه به دوستان بهشتی خود می گوید:] آیا ما [برای

همیشه در بهشتیم و] هرگز نمی میریم؟ (۵۸)

إِلَّا مَوْتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿٥٩﴾

[و] جز همان مرگ نخستین [که در دنیا سراغمان آمد مرگی دیگر
به سراغمان نخواهد آمد] و ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟ [شگفتا!
چه لطف خاصی از سوی خدا به ما شده است!] (۵۹)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾

بی تردید این همان کامیابی بزرگ است. (۶۰)

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾

پس باید برای چنین پاداشی عمل کنندگان عمل کنند. (۶۱)

أَذَلِكْ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿٦٢﴾

آیا این [بهشت جاودان پر نعمت] برای پذیرایی بهتر است یا

درخت زقوم؟ (۶۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾

ما آن را برای ستمکاران مایه شکنجه و عذاب قرار داده‌ایم. (۶۳)

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَبِيمِ ﴿٦٤﴾

آن درختی است که در قعر دوزخ می‌روید، (۶۴)

طَلَعَهَا كَأَنَّه رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿٦٥﴾

شکوفه‌هایش مانند سرهای شیاطین [بسیار بدنما و زشت]

است. (۶۵)

فَإِنَّهُمْ لَأَكْلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾

پس این منکران لجوج حتماً از آن می خورند و شکم هارا از

آن پر می کنند. (۶۶)

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾

آن گاه به ناچار روی آن [به عنوان نوشیدنی] مخلوطی از آب
بسیار داغ و متعفن برای آنان خواهد بود! (۶۷)

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾

سپس بازگشتشان حتماً به سوی دوزخ است. (۶۸)

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿٦٩﴾

[سزاوار بودنشان در قیامت به این همه عذاب به سبب این

است که] آنان پدرانشان را گمراه یافتند، (۶۹)

فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهَرَّعُونَ ﴿۷۰﴾

و [با اینکه می دانستند گمراهند بدون اندیشه و تأمل]

عجولانه از پی آنان می رفتند! (۷۰)

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۷۱﴾

و به راستی پیش از اینان بیشتر پیشینان گمراه شدند، (۷۱)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٧٢﴾

و بی تردید ما در میان آنان بیم‌دهندگان فرستادیم. (۷۲)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ﴿۷۳﴾

پس با تأمل بنگر سرانجام بیم داده شدگان چگونه بود؟ (۷۳)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿۷۴﴾

[همه هلاک شدند] جز بندگان خالص شده خدا، (۷۴)

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿۷۵﴾

و نوح ما را ندا کرد [و ما ندایش را اجابت کردیم] پس ما به

راستی نیکو اجابت کننده‌ای هستیم، (۷۵)

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

و او و خاندانش را از آن اندوه بزرگ نجات دادیم. (۷۶)

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿۷۷﴾

و تنها ذریه او را [در زمین] باقی گذاشتیم، (۷۷)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾

و در میان آیندگان برای او نام نیک به جا گذاشتیم؛ (۷۸)

سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿٧٩﴾

سلام بر نوح در میان جهانیان. (۷۹)

إِنَّا كَذَّبِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾

به راستی ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۸۰)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾

بی تردید او از بندگان مؤمن ما بود. (۸۱)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٨٢﴾

سپس دیگران را غرق کردیم؛ (۸۲)

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ ﴿۸۳﴾

و به راستی ابراهیم از پیروان نوح بود، (۸۳)

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾

هنگامی که با دلی پاک به سوی پروردگارش آمد. (۸۴)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾

[یاد کن] هنگامی را که به پدر و قومش گفت: چیست آنچه

می پرستید؟ (۸۵)

أَيْفًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿٨٦﴾

آیا به جای خدا معبودان دروغین را می خواهید. (۸۶)

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۸۷﴾

پس گمانتان به پروردگار جهانیان چیست؟ [کہ غیر او را

می پرستید،] (۸۷)

فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿٨٨﴾

[چون از او دعوت کردند که شبانه به مراسم عیدشان برود]

نگاهی به ستارگان انداخت، (۸۸)

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿١٩﴾

و گفت: به راستی من بیمارم. (۱۹)

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿۹۰﴾

پس پشت کنان از او روی گرداندند. (۹۰)

فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾

او هم مخفیانه به سوی بت‌هایشان رفت و [از روی

ریشخند] گفت: آیا غذا نمی‌خورید؟ (۹۱)

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿۹۲﴾

شما را چه شده که سخن نمی گوید؟ (۹۲)

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿٩٣﴾

پس [به آنها روی آورد و] با دست راست ضربه‌ای کاری بر

آنها کوبید [و خردشان کرد.] (۹۳)

فَأَقْبِلُوا إِلَيْهِ يَرْفُونَ ﴿٩٤﴾

مردم با شتاب به سوی او آمدند. (۹۴)

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿۹۵﴾

[به آنان] گفت: آیا آنچه را [با دست خود] می تراشید،

می پرستید؟! (۹۵)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾

در حالی که خدا شما را و آنچه را می‌سازید،

آفریده است. (۹۶)

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُيُوتًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾

گفتند: برای او بنایی بسازید [که گنجایش آتش فراوانی داشته باشد] پس او را در آتش شعله‌ور بیندازید. (۹۷)

فَارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾

پس خواستند به او نیرنگی زنند، ولی ما آنان را پست و

شکست خورده کردیم. (۹۸)

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾

و [وقتی از این مهلکه جان سالم به در برد] گفت: به راستی من به سوی پروردگارم می‌روم، و [او] به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد. (۹۹)

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۰۰﴾

پروردگارا! مرا فرزندی که از صالحان باشد عطا کن. (۱۰۰)

فَبَشِّرْ نَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿۱۰۱﴾

پس ما او را به پسرى بردبار مژده داديم. (۱۰۱)

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي
 أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ۚ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ ۖ
 سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿١٠٢﴾

هنگامی که با او به [مقام] سعی رسید، گفت: پسرکم! همانا من در خواب می بینم که تو را ذبح می کنم، پس با تأمل بنگر رأی تو چیست؟ پدرم آنچه به آن مأمور شده‌ای انجام ده اگر خدا بخواهد مرا از شکیبایان خواهی یافت. (۱۰۲)

فَلَمَّا أَسْلَمًا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿۱۰۳﴾

پس هنگامی که آن دو تسلیم [خواستہ خدا] شدند و
ابراہیم، جبین او را بہ زمین نهاد [تا ذبحش کند] (۱۰۳)

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿١٠٤﴾

و اورا ندا دادیم کہ ای ابراہیم! (۱۰۴)

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٠٥﴾

خوابت را تحقق دادی [و فرمان پروردگارت را اجرا کردی]، به راستی ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم [که نیت پاک و خالصشان را به جای عمل می پذیریم.] (۱۰۵)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ﴿١٠٦﴾

به یقین این همان آزمایش روشن بود. (۱۰۶)

وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾

و ما اسماعیل را در برابر قربانی بزرگی [از ذبح شدن]

رهانیدیم، (۱۰۷)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٠٨﴾

و در میان آیندگان برای او [نام نیک] به جا گذاشتیم. (۱۰۸)

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿۱۰۹﴾

سلام بر ابراهیم. (۱۰۹)

كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۱۱۰﴾

[ما] نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۱۱۰)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۱﴾

بی تردید او از بندگان مؤمن ما بود، (۱۱۱)

وَبَشِّرْنَا هُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٢﴾

و ما او را به اسحاق که پیامبری از شایستگان بود

مژده دادیم، (۱۱۲)

وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ ۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ
وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ ۗ مُبِينٌ ﴿۱۱۳﴾

و بر او و بر اسحاق برکت دادیم، و از دودمان آن دو برخی
نیکوکارند و برخی آشکارا ستمکار بر خویشند، (۱۱۳)

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١١٤﴾

و به راستی ما به موسی و هارون نعمت دادیم، (۱۱۴)

وَنَجِّينَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ ﴿۱۱۵﴾

و آن دو نفر و قومشان را از اندوه بزرگ

نجات بخشیدیم، (۱۱۵)

وَنَصَرْنَا هُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿۱۱۶﴾

و آنان را یاری دادیم در نتیجه پیروز شدند، (۱۱۶)

وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾

و هر دو را کتاب بسیار روشنگر عطا کردیم، (۱۱۷)

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾

وبه راه راست هدایتشان نمودیم، (۱۱۸)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿١١٩﴾

و در میان آیندگان برای هر دو نفر نام نیک

به جا گذاشتیم. (۱۱۹)

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾

سلام بر موسی و هارون. (۱۲۰)

إِنَّا كَذَّبِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾

ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۱۲۱)

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۲۲﴾

بی تردید هر دو از بندگان مؤمن ما بودند، (۱۲۲)

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾

و بی تردید الیاس از پیامبران بود. (۱۲۳)

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۲۴﴾

[یاد کن] هنگامی را که به قومش گفت: آیا [از شرک

و طغیان] نمی پرهیزید؟ (۱۲۴)

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿۱۲۵﴾

آیا بت «بعل» را می پرستید و بهترین آفرینندگان را رها

می کنید؟! (۱۲۵)

اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

خدا را که پروردگار شما و پروردگار پدران

پیشین شماست. (۱۲۶)

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾

پس او را انکار کردند، یقیناً آنان از احضار شدگان [در

عذاب] خواهند بود، (۱۲۷)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿۱۲۸﴾

جز بندگان خالص شده خدا [که از هر کیفری

در امانند،] (۱۲۸)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾

و در میان آیندگان برای او نام نیک به جا گذاشتیم. (۱۲۹)

سَلَامٌ عَلٰى اِلٰى يٰسِيْنَ ﴿۱۳۰﴾

سلام بر آل ياسين. (۱۳۰)

إِنَّا كَذَّبِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾

ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۱۳۱)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۲﴾

بی تردید او از بندگان مؤمن ما بود. (۱۳۲)

وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۳۳﴾

و بی تردید لوط از پیامبران بود. (۱۳۳)

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿۱۳۴﴾

[یاد کن] هنگامی را که او و همه اهلش را

نجات دادیم، (۱۳۴)

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٣٥﴾

مگر پیرزنی را که در میان باقی ماندگان

[در شهر] بود. (۱۳۵)

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿۱۳۶﴾

سپس دیگران را هلاک کردیم، (۱۳۶)

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿۱۳۷﴾

و شما همواره صبحگاهان [در مسیر سفرهایتان از کنار

ویرانه‌های شهر] آنان گذر می‌کنید، (۱۳۷)

وَبِاللَّيْلِ^ق أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۱۳۸﴾

و نیز شبانگهان، آیا تعقل نمی کنید؟ (۱۳۸)

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾

و یونس از پیامبران بود. (۱۳۹)

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾

[یاد کن] هنگامی را که به سوی آن کشتی پر [از جمعیت و

بار] گریخت، (۱۴۰)

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾

و با سرنشینان کشتی قرعه انداخت [و قرعه به نامش افتاد] و
از مغلوب شدگان شد [و او را به دریا انداختند.] (۱۴۱)

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾

پس آن ماهی بزرگ او را بلعید، در حالی که سزاوار

سرزنش بود. (۱۴۲)

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾

[و در شکم ماهی به تسبیح خدا مشغول شد که] اگر او از

تسبیح کنندگان نبود، (۱۴۳)

لَلْبِثِّ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾

بی تردید تا روزی که مردم برانگیخته می شوند

در شکم ماهی می ماند. (۱۴۴)

فَنَبِّدْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾

پس او را در حالی که بیمار بود به زمینی خشک

و بی گیاه افکندیم. (۱۴۵)

وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾

و بر او گیاهی از نوعی کدو رویاندم، (۱۴۶)

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾

و او را به سوی [قومی] یکصد هزار نفر [ی]

یا بیشتر فرستادیم. (۱۴۷)

فَأْمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾

پس ایمان آوردند در نتیجه آنان را تا پایان عمرشان [از نعمت‌ها و مواهب خود] بهره‌مند کردیم. (۱۴۸)

فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُنُونَ ﴿١٤٩﴾

[مشرکان سبک مغز می گویند: فرشتگان، دختران خدایند] پس از
آنان پرس که آیا دختران برای پروردگار تو هستند و پسران برای
ایشان؟! (۱۴۹)

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾

یا اینکه ما فرشتگان را دختر آفریدیم و آنان

شاهد بودند؟! (۱۵۰)

أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾

آگاه باش! که آنان از بافته‌های دروغ خود می‌گویند (۱۵۱)

وَلَدَ اللّٰهُ وَاِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۵۲﴾

که خدا فرزند آورده! و بی تردید آنان دروغگویند. (۱۵۲)

أَصْنَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾

آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است؟ (۱۵۳)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾

شما را چه شده، چگونه حکم می کنید؟ (۱۵۴)

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾

پس آیا متذکر [حقایق] نمی شوید؟ (۱۵۵)

أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ ﴿١٥٦﴾

یا شما [بر این ادعای خود] دلیل روشنی دارید؟ (۱۵۶)

فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾

پس اگر راستگوئید، کتابتان را [که این سخنان را با تکیه بر

آن می گوئید، به میان] آورید. (۱۵۷)

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا ۚ وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ
لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾

میان خدا و جن، نسب و خویشی قرار دادند، در صورتی که
جنیان به خوبی می دانند که [روز قیامت برای حساب و پاداش]
احضار خواهند شد. (۱۵۸)

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿۱۵۹﴾

خدا از آنچه او را به آن توصیف می کنند، منزّه است. (۱۵۹)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٦٠﴾

مگر بندگان خالص شده خدا [که او را به آنچه توصیف

می کنند شایسته مقام قدس اوست.] (۱۶۰)

فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾

و بی تردید شما و آنچه را می پرستید، (۱۶۱)

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿١٦٢﴾

نمی توانید [مردم را] بر ضد خدا گمراه کنید. (۱۶۲)

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَبِيمِ ﴿١٦٣﴾

مگر کسانی را که [به اختیار خود به خاطر پذیرفتن وسوسه و

اغواگری شما] به دوزخ درآیند، (۱۶۳)

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾

و هیچ یک از ما فرشتگان نیست مگر اینکه برای او مقامی

معین است. (۱۶۴)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ﴿١٦٥﴾

و همانا ما [برای اجرای فرمان خدا] صف بستگانیم. (۱۶۵)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾

و ما خود تسبیح کنندگانیم. (۱۶۶)

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُنَّ ﴿۱۶۷﴾

و مشرکان [پیش از بعثت پیامبر] قاطعانه می گفتند: (۱۶۷)

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾

اگر نزد ما کتابی چون کتاب‌های آسمانی

پیامبران پیشین بود، (۱۶۸)

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٦٩﴾

بی تردید از بندگان خالص شده خدا می شدیم. (۱۶۹)

فَكْفَرُوا بِهِ^ط فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿۱۷۰﴾

ولی [هنگامی که قرآن را برای هدایت آنان نازل کردیم] به آن کافر شدند
و به زودی [وزر و وبال کفرشان را] خواهند دانست. (۱۷۰)

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾

و وعده قطعی ما درباره بندگان به رسالت فرستاده شده، از

پیش محقق و ثابت گشته است، (۱۷۱)

إِنَّهُمْ لَئِمْ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾

که بی تردید آنان [در همه زمینها] یاری شدگانند، (۱۷۲)

وَإِنَّا جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾

و مسلماً سپاه ما پیروزند. (۱۷۳)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۱۷۴﴾

پس تا مدتی از آنان روی بگردان. (۱۷۴)

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿۱۷۵﴾

و آنان را بنگر که به زودی [وزر و وبال گناهانشان را]

خواهند دید. (۱۷۵)

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾

آیا شتاب در آمدن عذاب ما را می خواهند؟! (۱۷۶)

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ ﴿١٧٧﴾

پس هنگامی که [عذاب ما] به آستانه خانه‌هایشان نازل
شود، بیم‌شدگان روزگار بدی خواهند داشت، (۱۷۷)

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۱۷۸﴾

و تا مدتی از آنان روی بگردان، (۱۷۸)

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿۱۷۹﴾

و [آنان را] بنگر که به زودی [وزر و وبال گناهانشان را]

خواهند دید. (۱۷۹)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿۱۸۰﴾

پروردگارت که دارای عزت است از آنچه او را به آن توصیف

می کنند، منزّه است. (۱۸۰)

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾

و سلام بر پیامبران (۱۸۱)

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۸۲﴾

و همه ستایش ها ویژه خداست که پروردگار

جهانیان است. (۱۸۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

ص، سوگند به قرآن که مشتمل بر ذکر [حقایق، معارف، مطالب

اخلاقی و اجتماعی و احکام حلال و حرام] است. (۱)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ﴿٢﴾

[اینکه قرآن را نمی‌پذیرند، برای این نیست که زمینه‌ای برای پذیرش آن وجود ندارد] بلکه کافران [غرق] در تکبر [و سرکشی و عداوت] و دشمنی‌اند. (۲)

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَلا تَحِینَ
مَنَاصِیْ (۳)

چه بسیار اقوامی که پیش از آنان هلاک کردیم که [وقت نزول
عذاب] فریاد کمک خواهی سر دادند، در حالی که وقت گریز و
یافتن پناهگاه نبود؛ (۳)

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ ۖ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا
سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾

و از اینکه بیم دهنده‌ای از جنس خودشان به سوی آنان آمده است
تعجب کردند، و کافران گفتند: این جادوگری بسیار دروغگوست. (۴)

أَجْعَلُ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ﴿٥﴾

آیا [محمد] معبودان [گوناگون] را معبودی یگانه قرار داده است؟
به راستی [که منحصر کردن معبودان در یک معبود] چیزی بسیار
شگفت است. (۵)

وَإِنطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُم أَنِ امشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ
هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿٦﴾

سران و اشرافشان روان شدند [و فریاد برداشتند] که بروید و بر
پرستش و نگهداری معبودانتان ایستادگی کنید زیرا از این دعوت
[به سوی خدای یگانه] ریاست و آقایی بر اراده شده است. (۶)

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ﴿٧﴾

ما این [پرستش معبود یگانه] را در آخرین آیین [که پدرانمان بر آن بودند] نشنیده‌ایم؛ این جز دروغی ساخته شده نیست. (۷)

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ۚ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي ۖ ط
 بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ﴿۸﴾

آیا از میان ما [که دارای ثروت فراوان و مقام و قدرتیم] قرآن، فقط بر او [که فقیری یتیم
 بیش نیست] نازل شده است؟! [نه، قرآن دروغی ساخته شده نیست] بلکه اینان درباره
 قرآن من در شک هستند، بلکه هنوز عذاب را نچشیده‌اند [تا از بیماری شک درآیند و
 به حقیقت آن اقرار کنند و زبان از گستاخی و جسارت ببندند]. (۸)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿٩﴾

مگر خزانه‌های رحمت پروردگار توانای شکست ناپذیر و
بخشنده‌ات نزد آنان است [که منصب نبوت را به هر کس که

دلشان خواست ببخشند؟] (۹)

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ﴿۱۰﴾

یا مگر مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، در اختیار آنان است؟ [اگر چنین است] پس [بیایند] از نردبان‌ها [ی رساننده به این مالکیت و فرمانروایی] بالا روند [و امور را به دست گیرند و مانع نزول وحی بر محمد شوند و خود به هر کس که بخواهند وحی کنند.] [۱۰]

جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ ﴿١١﴾

اینان لشکری ناچیز و اندک [از احزاب کفر و شرک] اند که در
آنجا [که میدان جنگ بدر است] شکست خوردنی هستند. (۱۱)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٢﴾

پیش از اینان نیز قوم نوح و عاد و فرعون که از تمام ابزار
حاکمیت برخوردار بودند [پیامبران را] انکار کردند؛ (۱۲)

وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ ۚ أُولَٰئِكَ
الْأَحْزَابُ ﴿١٣﴾

و نیز قوم تمود و قوم لوط و اصحاب ایکه همان احزاب کفر

و شرک اند، (۱۳)

إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ﴿١٤﴾

که هر یک از اینان پیامبران را انکار کردند، پس عقوبت [من

بر آنان] محقق و ثابت شد، (۱۴)

وَمَا يَنْظُرُ هُوَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ
فَوَاقٍ ﴿١٥﴾

و اینان [که تو را انکار می کنند] جز یک فریاد مرگبار را که
هیچ تأخیری در آن نیست، انتظار نمی کشند، (۱۵)

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾

و [اینان از روی مسخره] گفتند: پروردگارا! پیش از روز

حساب، هر چه زودتر سهم ما را از عذاب به ما بده. (۱۶)

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ ط إِنَّهُ
أَوَّابٌ ﴿١٧﴾

بر آنچه می گویند شکبیا باش، و بنده ما داود را که دارای
نیرومندی [در دانش و حکومت] بود یاد کن. او بسیار رجوع
کننده [به سوی خدا] بود. (۱۷)

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾

همانا ما کوهها را مسخر و رام کردیم که با او در شبانگاه و

هنگام برآمدن آفتاب تسبیح می گفتند، (۱۸)

وَ الطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾

و پرندگان را [نیز] به طور دسته جمعی [مسخر و رام کردیم که با او تسبیح می گفتند]، و همه رجوع کننده به سوی خدا بودند، (۱۹)

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ ﴿٢٠﴾

و حکومتش را محکم و استوار ساختیم و به او حکمت و

منصب داورى عطا کردیم، (۲۰)

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾

و آیا خبر مهم آن دادخواهان هنگامی که از دیوار بلند

نمازخانه او بالا رفتند به تو رسیده است؟ (۲۱)

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَزَعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ
 خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا
 تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾

زمانی که [به طور ناگهانی] بر داود وارد شدند، و او از آنان هراسان شد، گفتند: نترس
 [ما] دو گروه دادخواه و شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده است؛ بنابراین
 میان ما به حق داوری کن و [در داوریت] ستم روا مدار، و ما را به راه راست راهنمایی

کن. (۲۲)

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ
فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿۲۳﴾

این برادر من است، نود و نه میش دارد و من یک میش دارم، گفته
است: این یکی را هم به من واگذار. و در گفتگو مرا مغلوب
ساخت. (۲۳)

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نِعَجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ ^ط وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ
 الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ^ق وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ

وَحَزَرَ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿۲۴﴾

گفت: یقیناً او با درخواست افزودن میش تو به میش های خود بر تو ستم روا داشته
 است، و قطعاً بسیاری از معاشران و شریکان به یکدیگر ستم می کنند، به جز کسانی
 که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و اینان اندک اند. و داود دانست که ما
 او را [در این حادثه] آزموده ایم، در نتیجه از پروردگارش درخواست آمرزش کرد و
 بی درنگ به حالت خضوع به رو در افتاد و به خدا بازگشت. (۲۴)

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ ^طوَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٢٥﴾

و ما او را در این [داوری] آمرزیدیم، بی تردید او نزد ما تقرب

و منزلتی بلند و سرانجامی نیکو دارد. (۲۵)

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ
بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ إِنَّ الَّذِينَ
يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ

الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

[و گفتیم:] ای داود! همانا تو را در زمین جانشین [و نماینده خود] قرار دادیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می‌کند. بی‌تردید کسانی که از راه خدا منحرف می‌شوند، چون روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذابی سخت دارند. (۲۶)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ
 الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿۲۷﴾

و ما آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست، بیهوده نیافریده ایم، این
 پندار کافران است، پس وای بر آنان که کافرند از آتش دوزخ. (۲۷)

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي
الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿٢٨﴾

آیا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند مانند مفسدان

در زمین قرار می‌دهیم یا پرهیزکاران را چون بدکاران؟! (۲۸)

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو
الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾

این کتاب پربرکتی است که آن را بر تو نازل کرده‌ایم تا آیاتش
را تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند. (۲۹)

وَوَهَبْنَا لِذَاوُودَ سُلَيْمَانَ ۚ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾

و سلیمان را به داود بخشیدیم، چه نیکو بنده‌ای بود به راستی

او بسیار رجوع کننده [به خدا] بود. (۳۰)

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ﴿٣١﴾

[یاد کن] هنگامی را که در پایان روز اسبهای چابک و

تیزرو بر او عرضه کردند. (۳۱)

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ
بِالْحِجَابِ ﴿۳۲﴾

پس گفت: من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم [که نماز مستحب پایان روز است] اختیار کردم [زیرا می‌خواهم از آنان در جهاد با دشمن استفاده کنم و همواره به آنها نظر می‌کرد] تا [خورشید] پشت پرده افق پنهان شد. (۳۲)

رُدُّوْهَا عَلَيَّ^ط فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿۳۳﴾

[اسبها چنان توجه او را جلب کرده بودند که گفت:] آنها را به من بازگردانید. پس [برای نوازش آنها] به دست کشیدن به ساقها و گردنهای آنها پرداخت؛ (۳۳)

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ
 أَنَابَ ﴿۳۴﴾

و به راستی سلیمان را [درباره فرزندش] آزمودیم، و [آزمون این بود که] بر
 تختش جسدی [بی جان از فرزندش] افکندیم [فرزندی که سلیمان به زنده
 بودن او بسیار امید داشت]، آنگاه به درگاه خدا رجوع کرد [و همه امورش را به
 خدا واگذاشت]. [۳۴)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ
بَعْدِي ^طإِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾

گفت: پروردگارا! مرا پیامرز و حکومتی به من ببخش که بعد از
من سزاوار هیچ کس نباشد؛ یقیناً تو بسیار بخشنده‌ای. (۳۵)

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ
أَصَابَ ﴿٣٦﴾

پس باد را برای او مسخّر و رام کردیم که به فرمان او هر جا
که می خواست نرم و آرام روان می شد. (۳۶)

وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ ﴿۳۷﴾

و هر بنا و غواصی از شیاطین را [مسخر و رام او نمودیم،] (۳۷)

وَآخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾

و دیگر شیاطین را که با غل و زنجیر به هم بسته بودند [در سلطه او
درآوردیم تا نتوانند در حکومت او فتنه و آشوب برپا کنند.] (۳۸)

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾

[و به او گفتیم:] این عطای بی حساب ماست، [به هر کس خواهی]

بی حساب ببخش و [از هر کس خواهی] دریغ کن. (۳۹)

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٤٠﴾

بی تردید او نزد ما تقرب و منزلتی بلند و سرانجامی نیکو دارد. (۴۰)

وَإِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ
بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾

و بنده ما ایوب را یاد کن، هنگامی که پروردگارش را ندا داد که
شیطان [به سبب رنج و شکنجه‌ای که دچارش هستم] مرا سرزنش
و شماتت می‌کند [تا از رحمت تو دل‌سردم کند.] (۴۱)

از كُضْ بِرِجْلِكَ ط هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾

[به او گفتیم:] با پایت به زمین بکوب، این آبی است برای

شسشتو، آبی سرد و آشامیدنی. (۴۲)

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُولِي
الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾

و خانواده‌اش را [که در حادثه‌ها از دستش رفته بودند] و مانندشان
را همراه با آنان به او بخشیدیم تا رحمتی از سوی ما و تذکری
برای خردمندان باشد. (۴۳)

وَأَخَذَ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ ۖ إِنَّا وَجَدْنَاهُ
صَابِرًا ۖ نِعْمَ الْعَبْدُ ۖ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾

و [به او گفتیم: چون سوگند خورده‌ای که همسرت را برای اینکه تو را در امور معنوی ناراحت کرده بود، صد تازیانه بزنی] با دست بسته‌ای ترکه خشک برگیر و همسرت را با آن بزنی، و سوگندت را مشکن. بی تردید ما او را شکیبیا یافتیم. چه نیکو بنده‌ای! یقیناً بسیار رجوع کننده به سوی ما بود. (۴۴)

وَإِذْ نُنَّا عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي
وَالْأَبْصَارِ ﴿٤٥﴾

و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را یاد کن که دارای
قدرت و بصیرت بودند. (۴۵)

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿٤٦﴾

ما آنان را با [صفت بسیار پرارزش] یاد کردن سرای آخرت با

اخلاصی ویژه خالص ساختیم. (۴۶)

وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾

به یقین آنان در پیشگاه ما از برگزیدگان و نیکان اند. (۴۷)

وَادْکُرْ إِسْمَاعِیلَ وَالْیَسَعَ وَذَا الْکِفْلِ وَکُلٌّ مِّنَ
الْأَخْیَارِ ﴿۴۸﴾

و اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را یاد کن و همه از نیکان اند. (۴۸)

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنِّ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنِ مَآبٍ ﴿٤٩﴾

این [سرگذشت‌های سازنده] یادآوری و پند است؛ و بی‌تردید

برای پرهیزکاران بازگشت گاه نیکویی خواهد بود. (۴۹)

جَنّاتٍ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ ﴿۵۰﴾

[آن بازگشت گاه] بهشت‌های جاویدانی است که درهایش را

به روی آنان گشوده‌اند، (۵۰)

مُتَكِبِّينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾

در حالی که در آنجا بر تخت‌ها تکیه می‌زنند و میوه‌های فراوان و

نوشیدنی مورد دلخواهشان را در آنجا می‌طلبند، (۵۱)

وَ عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ الْأَثْرَابُ ﴿۵۲﴾

و نزد آنان زنانی است که فقط به شوهرانشان عشق
می‌ورزند، و با شوهرانشان هم سن و سال‌اند. (۵۲)

هَذَا مَا تُوَعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾

[به آنان گویند:] این است آنچه شما را برای روز حساب

وعده می دادند. (۵۳)

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ﴿٥٤﴾

این بی تردید عطای ماست که برای آن پایانی نیست. (۵۴)

هَذَا جَ وَإِنَّ لِلطَّٰغِيْنَ لَشَرَّ مَآبٍ ﴿۵۵﴾

این [همه برای پرهیزکاران است]، و مسلماً برای سرکشان،

بدترین بازگشتگاه خواهد بود. (۵۵)

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾

دوزخ که در آن وارد می شوند و چه بد آرامگاهی است! (۵۶)

هَذَا فَلْيَذُقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ﴿٥٧﴾

این آب جوشان و مایع چرکین متعفن است که باید آن را

بچشند، (۵۷)

وَأَخْرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ﴿٥٨﴾

و [جز اینها] عذاب‌های دیگری مانند آن دارند. (۵۸)

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ ۖ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ ۚ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ﴿٥٩﴾

[چون پیشوایان کفر به دوزخ درآیند، و پیروانشان را نیز راهی دوزخ کنند ندا رسد:] این گروهی [از پیروان شما] هستید که با فشار و زور با شما وارد دوزخ می شوند. [پیشوایان کفر در پاسخ ندا دهنده گویند:] خوش آمد و گشایشی بر آنان [که پیروان ما بودند] مباد، بی تردید آنان به آتش خواهند سوخت. (۵۹)

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ ۖ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا ۖ فَبِئْسَ
الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾

[پیروان به پیشوایان] گویند: بلکه بر شما خوش آمد و گشایشی
مباد، شما این عذاب را از پیش برای ما فراهم کردید، و چه بد
قرارگاهی است. (۶۰)

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرِّدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي
النَّارِ ﴿٦١﴾

می گویند: پروردگارا! هر کس این عذاب را از پیش برای ما فراهم
آورده است، برای او در آتش عذابی دو چندان بیفزا. (۶۱)

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنْ
الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾

و می گویند: ما را چه شده که [مردان مؤمن و شایسته] ای که
از اشرارشان می شمردیم، نمی بینیم. (۶۲)

أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾

آیا ما آنان را به ناحق به مسخره گرفتیم [و اکنون در بهشت جای دارند] یا [در دوزخ اند و] دیدگان ما به آنان نمی افتد؟! (۶۳)

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ﴿٦٤﴾

این گفتگو و مجادله اهل آتش حتمی و واقع شدنی است. (۶۴)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِّي إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ
الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾

بگو: من فقط بیم دهنده‌ام، و هیچ معبودی جز خدای یگانه

قهار نیست. (۶۵)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ
الْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾

پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، توانای
شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است. (۶۶)

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾

بگو: این [قرآن من] خبری بزرگ است، (۶۷)

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾

که شما از آن روی می گردانید. (۶۸)

مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَائِكَةِ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾

من از ملا اعلیٰ هنگامی که [درباره آفرینش آدم] مجادله

می کردند، هیچ خبری ندارم. (۶۹)

إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾

به من وحی نمی شود جز برای اینکه بیم دهنده‌ای

آشکارم. (۷۰)

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ﴿٧١﴾

[یاد کن] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا

من بشری از گل خواهم آفرید. (۷۱)

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ
سَاجِدِينَ ﴿۷۲﴾

پس زمانی که اندامش را درست و نیکو نمودم و از روح خود
در او دمیدم، برای او سجده کنید. (۷۲)

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿۷۳﴾

پس فرشتگان همه با هم سجدہ کردند؛ (۷۳)

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾

مگر ابلیس که تکبر ورزید و از کافران شد. (۷۴)

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي ط
 أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿۷۵﴾

[خدا] فرمود: ای ابلیس! تو را چه چیزی از سجده کردن بر آنچه
 که با دستان قدرت خود آفریدم، بازداشت؟ آیا تکبر کردی یا از
 بلند مرتبه گانی؟ (۷۵)

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ ^طخَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ
طِينٍ ﴿٧٦﴾

گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل

ساختی. (۷۶)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿۷۷﴾

[خدا] گفت: از آن [جایگاه] بیرون رو که بی تردید تو رانده

شده‌ای؛ (۷۷)

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿۷۸﴾

و حتماً لعنت من تا روز قیامت بر تو باد. (۷۸)

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾

گفت: پروردگارا! مرا تا روزی که مردم برانگیخته می شوند،

مهلت ده. (۷۹)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿۸۰﴾

[خدا] گفت: تو از مهلت یافتگانی، (۸۰)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾

تا زمانی معین و معلوم. (۸۱)

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾

گفت: به عزت سوگند همه آنان را گمراه می کنم، (۸۲)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ ﴿۸۳﴾

مگر بندگان خالص شده‌ات را. (۸۳)

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾

[خدا] گفت: سوگند به حق و فقط حق را می گویم (۸۴)

لَأْمَلَانَ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۸۵﴾

که بی تردید دوزخ را از تو و آنان که از تو پیروی کنند، از

همگی پر خواهیم کرد (۸۵)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾

بگو: من برای ابلاغ دین هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم و از کسانی که چیزی را از نزد خود می‌سازند [و ادعای باطل می‌کنند] نیستم. (۸۶)

إِنَّهُ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۸۷﴾

آن [قرآن را که بر شما می خوانم] جز مایه تذکر و پندی برای

جهانیان نیست. (۸۷)

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿۸۸﴾

و بی تردید پس از مدتی خبر [صدق حقایق و ظهور عینی

آیات و وعده‌های] آن را خواهید دانست. (۸۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ
الْحَكِيمِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

[این] کتاب نازل شده از سوی خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم

است. (۱)

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ

الدِّينَ ﴿٢﴾

بی تردید ما این کتاب را به حق و درستی به سوی تو نازل کردیم،

پس خدا را در حالی که اعتقاد و ایمان را برای او [از هرگونه

شرکی] خالص می کنی، پرست. (۲)

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا
 نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا
 هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾

آگاه باشید! که دین خالص ویژه خداست، و آنان که به جای خدا سرپرستان و معبودانی برگزیده‌اند [و می‌گویند: ما آنان را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک کنند، نمی‌پرستیم. بی تردید خدا میان آنان [و مؤمنان] درباره آنچه که اختلاف می‌کنند [و آن آیین توحید و شرک است] داوری خواهد کرد؛ قطعاً خدا آن کس را که دروغگو و بسیار ناسپاس است، هدایت نمی‌کند. (۳)]

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْنَفِي مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ج
 سُبْحَانَهُ ۖ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤﴾

اگر [بر فرض محال] خدا می خواست برای خود فرزندی بگیرد، همانا از میان آفریده هایش آنچه را خودش می خواست برمی گزید [نه اینکه شما برای او انتخاب کنید]؛ منزّه است او [از آنکه برای او فرزندی باشد] اوست خدای یگانه و قهار. (۴)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۖ يُكْوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ
 وَيُكْوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ۖ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِي
 لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٥﴾

آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. شب را به روز درمی پیچید، و روز را به شب درمی پیچید، و خورشید و ماه را [برای بندگانش] مسخر و رام کرد. هر کدام تا سرآمدی معین روانند. آگاه باشید! او توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است. (۵)

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ
 الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ
 خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا

هُوَ ۗ فَآتَىٰ تَصْرَفُونَ ﴿٦﴾

شما را از یک تن آفرید، سپس همسرش را از او پدید آورد، و از چهارپایان [شتر و گاو و گوسفند و بز به اعتبار یک نر و یک ماده] هشت زوج آفرید، شما را در شکم‌های مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی دیگر در میان تاریکی‌های سه گانه [شکم و رحم و مشیمه] به وجود آورد. این است خدا پروردگار شما که فرمانروایی [مطلق بر همه هستی] ویژه اوست، معبودی جز او نیست، پس چگونه شما را از حق بازمی گردانند؟ (۶)

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ^ط وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ^ط وَإِنْ
 تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ^{قل} وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ^{قل} ثُمَّ إِلَىٰ
 رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^ج إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ

الصدُّورِ ﴿٧﴾

اگر کافر شوید [زیانی به خدا نمی‌رسانید؛ زیرا] خدا از شما بی‌نیاز است، و کفر را برای
 بندگانش نمی‌پسندد؛ و اگر سپاس‌گزاری کنید، آن را برای شما می‌پسندد. و هیچ سنگین
 باری، بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد. سپس بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهد بود، و
 شما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد؛ زیرا او به نیات و اسرار سینه‌ها داناست. (۷)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً
 مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ
 عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿۸﴾

و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را در حال بازگشت به سوی او [برای برطرف شدن آسیب] می خواند، سپس چون او را [برای رهایی از آن آسیب] نعمتی از جانب خود عطا کند، آن آسیب را که پیش تر برای برطرف شدنش دعا می کرد، فراموش می کند و دوباره برای خدا همتیانی قرار می دهد تا [مردم را] از راه خدا گمراه کند. بگو: اندک زمانی از کفر خود برخوردار باش، بی تردید تو از اهل آتشی. (۸)

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ
 وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ ^{قُلْ} هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ
 وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ^{قُلْ} إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾

[آیا چنین انسان کفران کننده ای بهتر است] یا کسی که در ساعات شب به سجده و قیام و عبادتی خالصانه مشغول است، از آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و کسانی که بی بهره از معرفت و دانش اند، یکسانند؟ فقط خردمندان متذکر می شوند. (۹)

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ ۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي
هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۗ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ ۗ إِنَّمَا يُوَفَّى
الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾

بگو: ای بندگان مؤمنم! از پروردگارتان پروا کنید. برای کسانی که در این دنیا اعمال شایسته انجام داده‌اند، پاداش نیکی است و زمین خدا گسترده است [بر شماست از سرزمینی که دچار مضیقه دینی هستید به سرزمینی دیگر مهاجرت کنید]. فقط شکیبایان پاداششان را کامل و بدون حساب دریافت خواهند کرد. (۱۰)

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿١﴾

بگو: من مأمورم که خدا را در حالی که ایمان و عبادت را
برای او [از هر گونه شرکی] خالص می‌کنم، بپرستم. (۱۱)

وَأْمُرْتُ لِأَنَّ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾

و مأمورم که [در این آیین از] نخستین تسلیم شدگان [به

فرمان‌ها و احکام] او باشم. (۱۲)

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۳﴾

بگو: اگر پروردگارم را نافرمانی کنم از عذاب روزی بزرگ

می ترسم. (۱۳)

قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿١٤﴾

بگو: فقط خدا را در حالی که ایمان و عبادتم را برای او [از

هر گونه شرکی] خالص می‌کنم، می‌پرستم. (۱۴)

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ ^{قُلْ} إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ
 خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ^{قُلْ} أَلَا ذَلِكَ هُوَ
 الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾

پس شما هم آنچه را می خواهید، به جای او بپرستید. بگو: بی تردید زیانکاران [واقعی] کسانی هستند که روز قیامت سرمایه وجودشان و کسانشان را به تباهی داده باشند؛ آگاه باشید! که آن همان زیان آشکار است. (۱۵)

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلٌّ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلٌّ ذَٰلِكَ
يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ﴿١٦﴾

برای آنان از بالای سرشان و از زیر پایشان سایبان‌هایی از آتش
است، این عذاب‌هایی است که خدا بندگان را به آن بیم می‌دهد. ای
بنده‌گانم! از من پروا کنید (۱۶)

وَالَّذِينَ اجْتَنَّبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ
لَهُمُ الْبُشْرَىٰ ۚ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿۱۷﴾

و کسانی که از پرستیدن طاغوت [یعنی بت‌ها، اربابان کفر و شیطان‌های سرکش] دوری کردند و به سوی خدا بازگشتند، بر آنان مرثده باد؛ پس به بندگانم مرثده ده. (۱۷)

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
هَدَاهُمُ اللَّهُ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾

آنان که سخن را می شنوند و از بهترینش پیروی می کنند، اینانند
کسانی که خدا هدایتشان کرده، و اینان همان خردمندانند. (۱۸)

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي

النَّارِ ﴿١٩﴾

آیا کسی که فرمان عذاب بر او محقق و ثابت شده [راه گریزی از آن دارد؟] آیا کسی را که در آتش است، تو نجات می دهی؟ (۱۹)

لٰكِنَ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ ۗ وَعَدَ اللّٰهُ ۗ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ
الْمِيْعَادَ ﴿۲۰﴾

ولی کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند، برای آنان غرفه‌هایی است
که از فراز آنها غرفه‌هایی دیگر بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است.
خدا این وعده را داده است؛ خدا خلف وعده نمی‌کند. (۲۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ
 ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ
 يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۲۱﴾

آیا ندانسته‌ای که خدا از آسمان آبی نازل کرد، پس آن را به صورت چشمه‌هایی در زمین درآورد، آن گاه به وسیله آن زراعتی را که رنگ‌هایش گوناگون است، بیرون می‌آورد، سپس [آن زراعت] خشک می‌شود، در نتیجه آن را به رنگ زرد بینی، پس آن را ریز ریز و در هم شکسته می‌کند؛ بی تردید در این [دگرگونی‌ها] برای خردمندان هشدار و عبرتی است. (۲۱)

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ ۗ
 فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ

مُبِينٍ ﴿٢٢﴾

آیا کسی که خدا سینه اش را برای [پذیرفتن] اسلام گشاده است، و بهره مند از نوری از سوی پروردگار خویش است [مانند کسی است که سینه اش از پذیرفتن اسلام تنگ است؟] پس وای بر آنان که دل‌هایشان از یاد کردن خدا سخت است، اینان در گمراهی

آشکار هستند. (۲۲)

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ
 الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ۗ
 ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُضَلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ

هَادٍ (۲۳)

خدا نیکوترین سخن را نازل کرد، کتابی که [آیاتش در نظم، زیبایی، فصاحت، بلاغت و عمق محتوا] شبیه یکدیگر است، مشتمل بر داستان‌های پندآموز [و امر، نهی، وعده، وعید، حلال و حرام] است؛ از شنیدن آیاتش پوست کسانی که از پروردگارشان می‌هراسند به هم جمع می‌شود، آن گاه پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد و آرامش می‌یابد. این هدایت خداست که هر که را بخواهد به آن راهنمایی می‌کند؛ و هر که را خدا [به کیفر کفر و عنادش] گمراه کند، او را هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد بود. (۲۳)

أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ
 لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٢٤﴾

آیا کسی که روز قیامت [به خاطر بسته بودن دست‌هایش می‌کوشد که] با صورت خود گزند عذاب را دفع کند [مانند کسی است که ایمن از عذاب است؟] به ستمکاران گویند: آنچه را همواره مرتکب می‌شدید، بچشید. (۲۴)

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا
يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾

کسانی [هم] که پیش از آنان بودند [آیات خدا را] تکذیب کردند،
پس از آنجا که گمان نمی کردند، عذاب به سویشان آمد. (۲۵)

فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ
أَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

پس خدا در زندگی دنیا خواری و رسوایی را به آنان چشانید؛ و اگر
معرفت و آگاهی داشتند [توجه می کردند که] عذاب آخرت

بزرگ تر است. (۲۶)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ
يَتَذَكَّرُونَ ﴿۲۷﴾

و ما برای مردم در این قرآن از هر گونه مثل و سرگذشت
عبرت آموزی بیان کرده ایم، باشد که متذکر شوند. (۲۷)

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۲۸﴾

قرآنی است گویا و روشن بدون هر گونه انحراف و کژی، برای اینکه [در

سایه تعالیمش از شرک، عصیان و فساد] پرهیزند. (۲۸)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا
 سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا
 يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾

خدا [برای فهماندن حقیقت توحید و شرک] مثلی زده است: مردی را که اربابانی ناسازگار و بداخلاق در [مالکیت] او شریک‌اند، و مردی که فقط برده یک مالک است، آیا این دو برده از جهت فرمان گرفتن و فرمان بردن با هم یکسانند؟ [موحدان که بنده خدای یکتا هستند، دارای زندگی منظم و پاک و آخرتی آبادند، و مشرکان که فرمان بران اربابان گوناگونند، دارای زندگی پریشان و آخرتی خراب‌اند.] همه ستایش‌ها ویژه خداست. بلکه بیشترشان [به آثار و منافع بندگی خدا] معرفت و آگاهی ندارند. (۲۹)

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿۳۰﴾

بی تردید تو می میری و قطعاً آنان هم می میرند. (۳۰)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان [در امر دین] مجادله خواهید کرد [که ما موحدان در دنیا حَقَّانیت توحید را ثابت کردیم و بطلان بت پرستی را روشن نمودیم، ولی کبر شما مانع از هدایت شما شد.] (۳۱)